

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

پذیرش نظریه مشهور پیرامون ملاک در حد شرعی مسافت؛

ملاحظه فرمودید که در این بحث که آیا ملاک ثمانیه فراسخ یا مسیره یوم است حق با مشهور قریب به اتفاق است و ادله اش را هم روشن کردیم.

بررسی کلمات فقها در مقام، پیرامون معقد اجماع؛

حالا باید بررسی کنیم ببینیم آیا نسبت به قول مشهور، اجماع وجود دارد یا نسبت به قول مسیره یوم اجماع هست یا نسبت به در هر دو تعبیر ثمانیه فراسخ و مسیره یوم اجماع وجود دارد؟

تبيين نظر صاحب مفتاح الكرامة (ره) پیرامون معقد اجماع بر ثمانیه فراسخ و مسیره یوم؛
چون از برخی کلمات فقها استفاده می شود که در معقد اجماع، هم ثمانیه فراسخ هست و هم مسیره یوم است. صاحب کتاب «مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة» در این باره با ذکر این ادعا در جلد دهم صفحه 318 به کلمات برخی از علمای زیر اشاره می کند:

الف. استشهاد به عبارت سید مرتضی (ره) در کتاب «الانتصار»؛
عبارتی را صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» در جلد دهم صفحه 318 از سید مرتضی (ره) دارد و می فرماید: «و أما تحديد المسافة ففي الانتصار مما انفردت به الإمامية تحديد السفر الذي يجب فيه التقصير في الصلاة ببريدین و البريد أربعة فراسخ و الفرسخ ثلاثة أميال» صاحب کتاب مفتاح الكرامة می فرماید که مرحوم سید مرتضی (ره) در کتاب «الانتصار فیما انفردت به الإمامية» فرموده که آنچه موجب قصر در سفر است بریدان است و هر بریدی چهار فرسخ است و هر فرسخی سه میل است «ثم صرح بعد ذلك بالاجماع» همانطور که روشن است اسمی از مسیره یوم در کلام سید مرتضی (ره) نیامده و فقط ثمانیه فراسخ را مرحوم سید مرتضی (ره) به عنوان معقد اجماع ذکر کرده.

ب. استشهاد به عبارت شیخ طوسی (ره) در کتاب «الخلاف»؛
صاحب مفتاح الكرامة (ره) بعد از این مطلب می فرماید: «و في الخلاف، الإجماع على أن حدَّ السفر الذي يكون فيه التقصير مرحلة و هي ثمانية فراسخ»، شیخ طوسی (ره) در کتاب «الخلاف»، معقد اجماع را باز ثمانیه فراسخ قرار داده.

ج. استشهاد به عبارت ابن ادریس حلی (ره) در کتاب «السرائر»؛

صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» در ادامه می‌فرماید مرحوم ابن ادریس(ره) در کتاب «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» هم فرموده است که «حدّ السفر الَّذی يجب معه التقصیر بریدان و البرید أربعة فراسخ و الفرسخ ثلاثة أمیال و المیل أربعة آلاف ذراع»، بعد هم گفته هر بریدی چقدر است که بریدان می‌شود هشت فرسخ و بعد هم گفته «لا خلاف عندهم فی حدّ المسافة التي يجب القصر على من قصدها و قد أجمعوا على تقصیر صلاة القاصد لها».

د. استشهاد به ده کتاب فقهی دیگر؛

در ادامه صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» می‌گوید: «و فی المعتبر [فی شرح مختصر النافع] و المدارک [الاحکام فی شرح شرایع الاسلام] و الذخيرة [المعاد فی شرح الارشاد] و الرياض [المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل] و ظاهر المنتهی [المطلب فی تحقیق المذهب] و التذکرة [الفقهاء] و کشف الإلتباس [عن موجز ابی العباس] و مجمع الفائدة و البرهان [فی شرح الارشاد الاذهان] و الدرّة [البهية فی فقه الامامية] و الکفاية [الاحکام]، الاجماع على أنّه إنّما يجب التقصیر فی مسيرة يومٍ بریدین أربعة و عشرين میلاً»، همانطور که روشن است، صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» ده کتاب از کتب مهم فقهی را نقل می‌کند که اینها نگفتند که اجماع داریم بر اینکه تقصیر بر ثمانیه فراسخ است، بلکه گفتند اجماع داریم بر اینکه فقها در حد تقصیر، هم عنوان مسيرة يومٍ را در معقد اجماع ذکر کردند و هم عنوان بریدین را ذکر کردند.

مناقشه بر نظریه محقق عاملی(ره) ضمن دو نکته؛

ما باشیم و ظاهر عبارت کتاب «مفتاح الكرامة» باید بگوئیم پس در معقد اجماع، هم ثمانیه فراسخ آمده و هم مسيرة يومٍ آمده، اما اینجا دو تا نکته را باید مورد توجه قرار بدهیم؛ که عبارتند از:

نکته‌ی اول: عدم انطباق ادعای محقق عاملی(ره) نسبت به برخی از کتب؛

همانطور که از متن عبارات روشن شد تا اینجا سه نفر یعنی جناب سید مرتضی(ره)، جناب شیخ طوسی(ره) و جناب ابن ادریس(ره) ادعای اجماع کرده‌اند و معقد اجماع را همین ثمانیه فراسخ قرار دادند. در نتیجه نکته اول این است که ما به بعضی از این کتب که مراجعه کردیم دیدیم آنچه صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» برداشت کرده، از آن این ادعا استفاده نمی‌شود، مثلاً به کتاب «المعتبر فی شرح مختصر النافع» که مراجعه می‌کنیم، آنجا عبارت این است: «و إنّما يجب التقصیر فی ثمانیه فراسخ فلو قصد الاقل فلم یجز التقصیر اجماعاً» در ادامه می‌گوید «و لا خلاف عندنا فی وجوب التقصیر فی الثمانیه» چرا؟ «لأن سماعه سألّه عن المسافر فی کم یقصر الصلاة؟ فقال(عليه السلام) فی مسيرة يومٍ و ذلك بریدان و هما ثمانیه فراسخ» یعنی باز محقق حلی(ره) صاحب کتاب «المعتبر» ملاک و معقد اجماع را ثمانیه فراسخ قرار داده، به آن روایت سماعه که هم مسيرة يومٍ در آن هست و هم ثمانیه فراسخ اشاره کرده ولی آنکه می‌گوید «لا خلاف عندنا» می‌گوید «فی الثمانیه» است، این یک مورد.

«تذکرة الفقهاء»: باز صاحب کتاب «مفتاح الكرامة» می‌گوید در کتاب «تذکرة الفقهاء» هم همینطور است، ما باز «تذکرة الفقهاء» را مراجعه کردیم در جلد چهارم صفحه 369 علامه حلی(ره) فرموده «و لا خلاف عندنا فی وجوب التقصیر فی الثمانیه»، اینجا هم باز مسئله‌ی ثمانیه را آورده.

«منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: در کتاب منتهی مرحوم علامه حلی(ره) در جلد 6 صفحه 329 می‌فرماید: «فالذی ذهب إلیه علماءنا أجمع أنّه أربعة و عشرين میلاً مسيرة يومٍ تامٍ ثمانیه فراسخ»، هر دو را آورده.

«مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان»: محقق اردبیلی(ره) در کتاب مزبور می‌گوید: «لا خلاف أيضاً فی وجوبه علينا فی مسيرة يومٍ و ثمانیه فراسخ»،

پس اشکال اول و مطلب اول این است که آنچه صاحب کتاب «مفتاح الکرامۃ» گفته اینطور نیست که تماماً انطباق داشته باشد بر آن کتب و همین هست که انسان باید مراجعه کند، حالا در یک کتابی این را می‌گوید انسان باید خودش مراجعه کند ببیند واقعاً علامه حلی(ره) این فتوا را دارد یا خیر؟ این اولین نکته بود.

نکته دوم: به دو دلیل نباید ادعا کرد که اجماع بر مسیره یوم و ثمانیه فراسخ است؛ دلیل اول: فقهای ما چون یک روایاتی که همه به آن عمل کردند، گاهی اوقات می‌آمدند همان را معقد اجماع قرار می‌دادند یعنی دیگر نمی‌رفتند فحص کنند و اقوال را تتبع کنند، بلکه همین مقدار که می‌دیدند یک روایتی است که همه طبق آن عمل کردند و کسی نیست که بخواهد آن روایت را رد کند، بر طبق مضمون همان روایت، اجماع را ادعا می‌کردند، یعنی آنچه که مرحوم محقق عاملی(ره) صاحب کتاب «مفتاح الکرامۃ» از محقق اردبیلی(ره) صاحب کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» و دیگران نقل می‌کند، روشن می‌کند که اینها آمدند مضمون و یا عین روایت سماعه را به عنوان معقد اجماع ذکر کردند.

دلیل دوم: حالا همان بحث دیروز مجدداً پیش می‌آید می‌گوئیم روایت سماعه که می‌گوید «مسیره یوم و هی بریدان و هما ثمانیه فراسخ» این در مقام تفسیر است و وقتی در مقام تفسیر است و دیگر اینطور نیست که بگوئیم دو ضابطه است، بلکه می‌گوید مسیره یوم، معنایش ثمانیه فراسخ است، یعنی آن را تفسیر می‌کند و در نتیجه ضابطه در همان عنوانی است که به عنوان مفسر است، یعنی ثمانیه فراسخ، در او خلاصه می‌شود، لذا خود مسیره یوم نمی‌تواند ملاک باشد، ثمانیه فراسخ می‌تواند ملاک باشد.

پس چون روایت این چنین است، ما نمی‌توانیم بگوئیم فقها. نتیجه می‌گیریم که کسی نباید ادعا کند که ما هم بر ثمانیه اجماع داریم و هم بر مسیره یوم اجماع داریم.

تبیین نظر مختار پیرامون معقد اجماع؛

آنچه از کلمات استفاده می‌شود این است که اجماع بر ثمانیه فراسخ است، حالا شهید ثانی(ره) فرموده است که مسیره یوم و یا مرحوم صاحب مدارک(ره) که عبارت مدارک را هم می‌خوانیم گفته «کل واحدٍ منهما»، تأثیری در اصل مطلب ندارد زیرا این دو بزرگوار را یا باید بگوئیم که به این اجماع توجهی نکردند و یا گفته‌اند که این اجماع، مدرکی است، ما خودمان باید روایات را بررسی کنیم و از بررسی روایات به این نتیجه می‌رسیم. گفتیم که این روایاتی که دارد مسیره یوم بعد تفسیر می‌کند به ثمانیه فراسخ، در نتیجه اصلاً تعارضی وجود ندارد، حالا نمی‌خواهیم این تعبیر را بکنیم ولی اگر کسی هم این تعبیر را کند تعبیر درستی هست که بگوئیم یک نوع حکومتی وجود دارد، یعنی یک روایت داریم مسیره یوم، نه روایت می‌آید مسیره یوم را به ثمانیه فراسخ تفسیر می‌کند، این روایات بر آن روایات حاکم است و اصلاً تعارضی وجود ندارد. و کسانی که می‌خواهند بگویند انسان یکی از این دو ضابطه را مخیر است باید لااقل یا آن روایاتی که «أو» دارد را اخذ کنند و بقیه روایات را کنار بگذارند و یا باید تعارض را قائل باشند که هیچ کدام از اینها وجود ندارد و صحیح نیست.

بررسی نظر صاحب کتاب مدارک الاحکام؛

صاحب مدارک(ره) در جلد چهارم صفحه 428 می‌گوید: «ذهب علماءنا أجمع إلى أن القصر إنما يجب في مسیره یوم تام بریدین أربعة و عشرين ميلاً حکي ذلك جماعة»، یعنی اجماع بر اینکه قصر در مسیره یوم، بریدین و أربعة عشرين ميلاً، از جماعتی حکایت شده «منهم المصنف(ره)»، مرحوم محقق حلی(ره) در کتاب المعتبر «و تدلّ عليه روایات كثيرة كصحیحة زرارة و محمد بن مسلم و صحیحة ابی ایوب»، تا می‌رسد به این مطلب، چند تا تنبیه صاحب مدارک(ره) دارد و در تنبیه دوم می‌گوید: «لا ريب في الإكتفاء بالسير عن التقدير»، شکی نیست که اگر کسی صبح راه بیفتد تا شب، همین برای قصر نماز کافی است ولو نداند که الآن چقدر مسافت آمده، یا بداند کمتر از هشت فرسخ است، یقین هم دارد، چون روی قول صاحب

مدارک(ره) اگر هم یقین دارد از صبح تا حالا پنج فرسخ راه آمده ولی وقتی مسیره یوم شد، نمازش قصر است. بعد می‌فرماید: «فالأظهر الإكتفاء في لزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما»، اظهر این است که اکتفا شود در لزوم قصر به اینکه با یکی از این دو تا محقق شود، یعنی یا ثمانیه فراسخ و یا مسیره یوم، بعد می‌فرمایند: «و احتمال جدی قدس سره فی بعض کتبه تقدیم السیر»، جد صاحب مدارک(ره)، مرحوم شهید ثانی(ره) است؛ می‌گوید: شهید ثانی(ره) در بعضی از کتبش سیر را بر ثمانیه فراسخ مقدّم کرده «لأنّه اضبط»، گفته سیر اضبط از ثمانیه فراسخ است، دیروز گفتیم که شیخ انصاری(ره)، مرحوم حائری(ره) و عده زیادی می‌گویند ثمانیه فراسخ اضبط است، ولی شهید ثانی(ره) در مقابل این عده می‌گوید سیر اضبط است.

مناقشه بر نظریه صاحب مدارک(ره) از منظر مختار؛

عرض کردم نکته‌ی دومی که ما به عنوان ملاحظه‌ی بر کلام صاحب «مفتاح الکرامه» داریم این است که صاحب مدارک(ره) هم وقتی می‌گوید «ذهب علماءنا اجمع إلى أنّ القصر إنما يجب في مسيرة يوم تامّ برید کذا»، همان مضمون و لفظ روایت را اینجا آورده، نه اینکه بخواهد بگوید اجماع داریم بر اینکه فقها گفتند یا مسیره یوم یا ثمانیه فراسخ. لذا وقتی ما اقوال فقها را هم بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اقوال ایشان ظهور روشنی دارد بر اینکه ملاک ثمانیه فراسخ است؛ اقوال فقهای همچون: سید مرتضی(ره) در کتاب «الانتصار»، شیخ طوسی(ره) در کتاب «الخلاص»، ابن ادریس در کتاب «السرائر»، محقق حلی(ره) در کتاب «المعتبر»، علامه حلی(ره) در کتاب «تذکره»، اینها همه تصریح کردند که معقد اجماع، ثمانیه فراسخ است، این مطلب روشن شد.

بیان یک شبهه در مقام و دفع آن از منظر مختار؛

اینجا این نکته را ما عرض کنیم که وقتی گفتیم در این روایات مسیره یوم تفسیر شده به ثمانیه فراسخ و عنوان حکومت را پیدا می‌کند، یعنی شارع می‌گوید من مسیره یوم را که می‌گویم باز ضابطه ثمانیه فراسخ است، نمی‌خواهیم بگوئیم همان حرف صاحب جواهر(ره) است، یعنی ایشان هم روی همین جنبه‌ی تفسیریت روایات فرمود شارع دارد برای مسیره یوم یک معنای خاص شرعی می‌کند، ما گفتیم نه! معنای شرعی را نمی‌گوید در عین حال تفسیر هم هست، حکومت هم هست، اما معنای حکومت این نیست که مسیره یوم یک معنای شرعی حادثی پیدا کند. وقتی اینطور شد از نظر صناعت اجتهادی فقیه نباید اینطور بگوید که چون روایات ثمانیه فراسخ 38 مورد است، روایت مسیره یوم یک روایت است ولو صحیح است پس بگوئیم از این یک روایت اعراض شده، ممکن است در ذهن بعضی از آقایان این مطلب بیاید دیروز هم بعضی از آقایان بعد از درس همین احتمال را می‌خواستند بدهند که بگوئیم از مسیره یوم روایتی که می‌گوید مسیره یوم فقها از آن اعراض کردند و ما هم مبنای مان به طبع امام خمینی(ره)، مرحوم آقای بروجری(ره) و مرحوم والدیمان(ره)، معتقدیم که اعراض مشهور، قاذح به حجّیت است. عرض ما و جواب ما این است که اصلاً مجالی برای این بحث نیست، ما وقتی آمدم مسئله‌ی تفسیر را مطرح کردیم، می‌گوئیم اصلاً تعارضی وجود ندارد، مسئله‌ای که از این طایفه‌ی روایات اعراض شده، در فرضی معنا دارد که ما تعارض را قبول کنیم، ما گفتیم اصلاً تعارضی بین این روایات نیست به جهت همان روایات تفسیریه، روایاتی که می‌آید مسیره یوم را به ثمانیه فراسخ تفسیر می‌کند، بنابراین این مطلب را هم نباید بگوئیم که از روایات مسیره یوم اعراض شده.

بررسی چند بحث تکمیلی پیرامون سایر تعبیر وارده در روایات؛
چند بحث دیگر پیرامون سایر تعبیر وارده در روایات باقی مانده است که عبارتند از:

بحث اول: پیرامون نحوه برخورد با تعبیر «مسیر یوم و لیلة»، ضمن چهار جواب؛
اولین بحث این است که با روایت یوم و لیلة چه کار کنیم؟ در میان همین روایاتی که ما داشتیم یک روایت که روایت معتبری هم هست و آن هم روایت پنجم است «و بإسناده» یعنی اسناد صدوق(ره) «عن زکریا بن آدم(ره)» روایت پنجم از باب اول صفحه

452 وسائل جلد هشتم است، «أنه سأل أبا الحسن الرضا (عليه السلام) عن التقصير في كم يقصر الرجل إذا كان في ضياع اهل بيته و أمره جايز فيها» یک مردی شغلش در همان زمین خویشاوندش است، قریه‌ای که اهل‌بیتش هم در آن زندگی می‌کنند «يسير في الضياع يومين و ليلتين و ثلاثة ايام و لياليهن فكتب عليه السلام التقصير في مسيرة يوم و ليلة» امام رضا (عليه السلام) به صورت مکاتبه نوشتند که تقصیر در صورتی است که یک روز و یک شب کامل، ما همانطوری که روایات مسیره یوم را به یوم تام معنا کردیم مسیره یوم و ليلة یعنی یک شبانه‌روز کامل. با این روایت چه کار کنیم؟ این را مثل آن روایت مسیره یوم برایش تفسیر نداریم. اینجا چند جواب می‌توانیم بدهیم که عبارتند از:

جواب اول: صاحب وسائل (ره) می‌فرماید «أقول هذا محمولٌ على من يسير في يومٍ و ليلةٍ ثمانية فراسخ»، می‌فرماید خود ائمه به ما یاد دادند همان طوری که مسیره یوم را به ثمانية فراسخ تفسیر کردند بگوئیم این روایت را هم حمل کنیم بر اینکه آن کسی که در یوم و ليلة هشت فرسخ می‌رود، این یک.

جواب دوم: صاحب وسائل (ره) در ادامه می‌فرماید: «أو على أن الواو بمعنى أو» بگوئیم این «واو» به معنای «أو» است، چون یوم و ليلة در حجاز اندازه‌شان یکسان است؛ پس جواب دوم اینکه «واو» به معنای «أو» باشد، «لما تقدّم و يأتي» این هم احتمال دوم.

جواب سوم ضمن یک شاهد روایی: صاحب وسائل (ره) در ادامه می‌فرماید: «أو على التقية لموافقة لبعض العامة» این روایت را حمل بر تقیه کنیم چون با بعضی از عامه موافق است. در این باره یک شاهد روایی وجود دارد و آن اینکه در باب دوم حدیث سیزدهم امام صادق (عليه السلام) می‌فرماید پدر من در نزد والی بنی امیه بود از آنجا آمد فرمود من آنجا بودم از علمای آنها داشتند راجع به تقصیر سؤال می‌کردند بعضی‌هایشان گفتند سه فرسخ که شد کافی است «و قال قائلٌ منهم يومٌ و ليلة» این روایت را شاهد آوردیم بر اینکه یوم و ليلة در میان عامه قائل دارد! اگر شما بخواهید روایت را حمل بر تقیه کنید باید در میان عامه قائل داشته باشد، لذا این احتمال هم وجود دارد که ما روایت در اینجا را حمل بر تقیه کنیم.

جواب چهارم از منظر مختار: جوابی که می‌توانیم بدهیم این است که مشهور از این اعراض کردند، اینکه روشن است. ما در میان فقهای امامیه فقیهی نداریم که نسبت به یوم و ليلة طبق این روایت فتوا داده باشد. این اعراض مشهور خودش بسیار مسئله‌ی مهمی است. این چهار جواب را ما از این روایت یوم و ليلة می‌گوئیم.

بحث دوم: پیرامون نحوه برخورد با تعبیر «ثلاثة بُرد»، ضمن بررسی دو روایت؛ بحث دیگر این است که بعضی روایات دارد «ثلاثة بُرد»، مثلاً دو روایت زیر:

یک. بررسی روایت دهم باب اول وسائل، ضمن دو اشکال؛

روایت دهم از باب اول، «و بإسناده» - یعنی شیخ طوسی (ره) - «عن احمد بن محمد عن ابن ابي نصر عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال» سند روایت هم درست است «سألته عن الرجل يريد السفر في كم يقصر فقال في ثلاثة بُرد»؛ آن وقت صاحب وسائل (ره) در ذیلش دو اشکال وارد کرده و می‌فرماید: «أقول حمله الشيخ أيضاً على التقية مع أنه لا تصريح فيه بأنه لا يقصر فيما دونها» صاحب وسائل (ره) می‌فرماید این روایت دو تا اشکال دارد، یک اشکال این است که این محمول بر تقیه است؛ اشکال دوم این است که در آن تصریحی وجود ندارد به اینکه در کمتر از «ثلاثة بُرد» قصر نمی‌شود.

مناقشه بر اشکال دوم از منظر مختار؛

این اشکال دوم صاحب وسائل (ره) درست نیست. ظهور روایت در این است که وقتی می‌گوید «فی ثلاثة بُرد»، ثلاثة بُرد 12

فرسخ می‌شود، الآن هم در میان عامه کسانی داریم که قائل به 12 فرسخ هستند، در همان جلسات قبل اقوال عامه را هم گفتیم. همین که می‌فرماید «فی ثلاثة برد» یعنی کمتر از این تقصیر نمی‌شود. حالا شاید صاحب وسائل (ره) مقصودش این باشد که حضرت امام رضا (علیه السلام) مقصودشان همان بریدین بوده ولی گفتند اگر رفتی ثلاثة بُرد آنجا حتماً تقصیر هست چون روی قول ما مسلّم آن هم هست ولی این حرف خلاف ظاهری است و این روایت را باید حمل بر تقيه کنیم.

دو. بررسی روایت نهم باب اول وسائل، ضمن دو جواب؛

آخرین روایت روایتی است که دارد «فی مسیرة یومین» حدیث نهم است، می‌فرماید «محمد بن الحسن عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن الحسن بن محبوب عن ابی جمیل عن ابی عبدالله علیه السلام قال لا باس للمسافر أن يتم الصلاة فی سفره مسیرة یومین» این روایت را چه کنیم؟ دو تا جواب می‌دهد:

جواب اول: یکی اینکه بگوئیم مسیرة یومینی مراد است که هشت فرسخ شود،

جواب دوم: اینکه حمل بر تقيه کنیم که بعضی از علمای عامه هم این را قبول دارند.

بحث سوم: پیرامون نحوه برخورد با دو دسته روایت دیگر؛

حالا که بحث به اینجا رسید، بحث مهم این است، ما تا اینجا نتیجه گرفتیم روایاتی که می‌گویند ثمانية فراسخ، بریدان، اربعة و عشرون میلاً، مسیرة یوم، گفتیم این چهار تا که اصلاً یکی است و این را اثبات کردیم. در مقابل این چهار تعبیر یوم و لیلة، ثلاثة بُرد، مسیرة یومین، گفتیم این سه تا تعبیر یا معرضّ عنه است و یا حمل بر تقيه باید بشود و جواب‌هایی که دادیم. باقی می‌ماند دو دسته روایات دیگر که عبارتند از:

دسته اول: روایات ظاهر در قصر در چهار فرسخ؛

یک دسته روایات ظهور در این دارد که اگر کسی چهار فرسخ رفت نمازش قصر است و این قول به مرحوم کلینی (ره) صاحب کتاب شریف «الکافی» نسبت داده شده، چون مرحوم کلینی (ره) در کتاب کافی اصلاً اخبار ثمانية فراسخ را نیاورده، بلکه همین روایات اربعة فراسخ را آورده، کلینی (ره) می‌گوید اگر کسی رفت به چهار فرسخ، حالا می‌خواهد برگردد یا برنگردد، تا به چهار فرسخ رسید نمازش قصر است، این روایت اربعة فراسخ را باید ببینیم.

دسته دوم: روایات ظاهر در قصر در چهار فرسخ ایاب و چهار فرسخ ذهاب؛

یک دسته روایات دیگر داریم که می‌گویند چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد که از آن تعبیر می‌کنیم به مسافت تلفیقیّه، آن وقت اینجا در مسافت تلفیقیّه معرکه‌ی آراء و اقوال مختلف است، اگر کسی چهار فرسخ می‌رود می‌خواهد دو شب بماند، همان روز برنگردد، مثلاً اینجا مشهور می‌گویند: نمازش قصر است و بعضی می‌گویند: مخیر بین القصر و الاتمام است، بعضی می‌گویند: اینجا واجب است که تمام کند، اگر بخواهد قصر کند اگر همان روز برگردد نمازش قصر است و الا فلا.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين